



## زاغه نشینی و اسکان غیر رسمی

غزال امیری نژاد | کارشناس ارشد شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران

### مقدمه

زاغه نشینی و اسکان غیر رسمی به مفهوم امروزی، پیامد انقلاب صنعتی (نیمه دوم قرن هجدهم میلادی) است که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی فراوانی همچون رشد شهرنشینی و مهاجرت های روستایی لجام گسیخته در کشورهای مختلف جهان، به خصوص شهرهای جهان سوم نمایان شده است.

با پیام هزاره جدید گردهمایی سازمان ملل - موسوم به Habitat- با هدف مقابله جدی با فقر شهری و بهبود شرایط زندگی ۱۰۰ میلیون زاغه نشین تا سال ۲۰۲۰ میلادی، اهمیت این پدیده نامطلوب برای همگان و بخصوص مدیران و برنامه ریزان شهری، آشکارتر و ملموس تر شده است. حاشیه نشینی، زاغه نشینی، سکونتگاه های موقتی نامتعارف و غیر رسمی و مسائلی از این از جمله جلوه های فقر شهری اند که به اشکال مختلف چهره زشت خود را در بخش مسکن نمایان می سازند. شرایط بد زندگی برای میلیون ها نفر از ساکنان شهرها که از حقوق اولیه انسانی خود محرومند، نیازمند تلاش جدی اقشار مختلف جامعه، مسؤولان دولتی و غیر دولتی، برنامه ریزان و صاحب نظران مسائل شهری و منطقه ای است تا بتوان امکان توسعه پایدار و شهر و شهرنشینی پایدار را فراهم ساخت.

### نظریات حاشیه نشینی

بعضی از پژوهشگران در زمینه حاشیه نشینی، علل اقلیمی را بی تأثیر ندانسته اند و در این زمینه می گویند: در نقاطی که اقلیم ملایمی دارند و ساختن سرپناه مصالح و هزینه چندانی طلب نمی کند، زمینه مساعدی برای ساختن خانه های بی دوام در حواشی شهرها فراهم می گردد. دسته ای نیز تمایل به شهرنشینی را که زاینده فطرت جمع گرایی انسانی است، علت مهاجرت از نقاط کوچک تر به نقاط بزرگ تر در نظر می گیرند. انسان هایی که در پاسخ به این ندا رو به سوی شهرهای بزرگ می گذارند، به اقامت در حاشیه تن می دهند و تبدیل به غریبه هایی در جوار شهریان می شوند که آنها را به رسمیت نمی شناسند. برخی از پژوهشگران به مسأله حاشیه نشینی از دیدگاه بوم شناسی (اکولوژی) شهری نگریسته و تلاش کرده اند تا با توجه به بافت فیزیکی، به توجیه سازوکار پیدایش حاشیه نشینی بپردازند.

ابعاد فیزیکی مسأله حاشیه نشینی ظاهر این معضل اجتماعی را نشان می دهد و برای پی بردن به ریشه های آن می بایست به لایه های زیرین این مسأله پرداخت. گروهی از محققان معتقدند "کنار گذاشتگی" عامل اصلی پیدایش حاشیه نشینی است. از آنجا که غفلت برنامه در پرداختن به بخشی از جمعیت موجب متفی شدن نیاز به سرپناه در آنها نمی گردد، طبعاً این گروه فراموش می شوند، و مسکن و سرپناه خود را در قالب دیگری خارج از چارچوب های برنامه تدارک خواهند دید که آسیب های محیطی - همچون حاشیه نشینی و مانند آن - از تبعات آن خواهد بود.

دیدگاه اقتصادی در پیدایش حاشیه نشینی اهمیت خاصی دارد؛ به طوریکه می توان گفت «عدم دسترسی مهاجران به مشاغل اقتصاد شهری، همراه با فقر اقتصادی و عدم تخصص آنها موجب می شود که آنها ناگزیر گردند آلودگی ها و زاغه هایی را که در اغلب موارد فاقد هرگونه تسهیلات شهری از قبیل آب، برق و تلفن است، برای زندگی برگزینند. فقر اقتصادی نه تنها باعث روی آوردن آنها به مشاغل کاذب مانند دستفروشی و ماشین شویی می شود، بلکه موجب بروز مسائل حاد اجتماعی نظیر فحشا، جنایت، دزدی و قاچاق می گردد. بنابراین بالا بردن کیفیت واحدهای مسکونی حاشیه نشینان، راه حل نهایی مشکل آنها نیست؛ بلکه باید با تحلیلی صحیح از اوضاع اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و محیط حاشیه نشینان،

مسائل اقتصادی و اجتماعی آنها را حل کرد.

### سابقه حاشیه نشینی

حاشیه نشینی و تبلور آن در قالب گتوهای نژادی، مذهبی و مانند ریشه در تاریخ دارد، اما چنین پدیده ای به شکل امروزی آن ناشی از تغییر در روابط و مناسبات سنتی انسان ها بوده است. در ریشه یابی حاشیه نشینی در مقیاس وسیع، نیز باید به خاستگاه اصلی آن یعنی اروپا برگشت. از آغاز دوران انقلاب صنعتی به بعد اراضی زراعی به تیول صاحبان قدرت درآمد و به تبع آن اقتصاد روستا مختل شد و روستاییان به فکر یافتن راه دیگری برای گذران زندگی خود افتادند. آنان ناگزیر راه شهرها را در پیش گرفتند. در آن زمان کارگاه ها و کارخانه هایی که ایجاد شده بودند به نیروی کار ساده متکی بودند. با کاهش دستمزدها، زنان و کودکان نیز به کار گرفته شدند و سرانجام وضعی پیش آمد که مردان، زنان و کودکان از سپیده صبح از روستا به شهرها روانه می شدند و تا دیرگاه، در کارگاه ها کار می کردند و دوباره با پای پیاده به روستاهای خود برمی گشتند و از شدت خستگی از پای می افتادند. محققان این دوره را سرمایه داری وحشی نامیده اند. این دوره را باید آغاز دوران مهاجرت های روستا به شهر و شروع دوره حاشیه نشینی پیرامون شهرهای بزرگ محسوب کرد. در همین دوران بود که در شرایط فقدان وسایل نقلیه سریع برای انتقال به موقع کارگران روستایی به شهرها و بازگرداندن آنها به روستاها پس از خاتمه کار روزانه به تدریج حاشیه شهرها به ویژه شهرهای بزرگ صنعتی به مراکزی برای استقرار و اسکان آنها تبدیل شد. به این ترتیب، حاشیه نشینی پیرامونی شهرها شکل گرفت و به تدریج انواع مختلفی یافت که زاغه، کپر و حلبی آباد نامیده شدند.

شروع حاشیه نشینی در کشورهای جهان سوم با تأخیری نه چندان کوتاه صورت پذیرفت و به علت ضعف مدیریت ها و محدودیت منابع مالی، ابعاد وسیع تری به خود گرفت.

### زاغه نشینی و سکونتگاه های غیر رسمی

به طور کلی زاغه ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- سکونتگاه ها و زاغه های غیر قانونی

در حاشیه شهرها ظاهر می شوند و اغلب به شکل غیر قانونی زمین ها را اشغال می کنند. خانوارها به سرعت مسکن خود را در این مناطق می سازند، اما در زمینه

دسترسی به آب پاکیزه و سیستم دفع فاضلاب بهداشتی و سایر خدمات معمول شهری با مشکلات زیادی مواجه می گردند. قانونی کردن و نظم دادن به این سکونتگاه ها از جمله مسائل و مشکلات جوامع به شمار می رود.

## ۲- سکونتگاه ها و زاغه های مرکز شهر

معمولاً در بخش های قدیمی تر شهر دیده می شوند. در این مناطق خانوارها و مهاجران جوان در ساختمان های کهنه و شلوغ که فاقد سرویس های شهری و یا دارای نوع بسیار فقیرانه آن هستند، زندگی می کنند. سرویس های شهری در این مناطق رو به زوال و نابودی است و به بهسازی و بهبودی اساسی نیاز دارند. از طرف دیگر، فرصت های اشتغال کوتاه مدت فراوانی در آنها وجود دارد و هزینه مسکن نیز در اینگونه مناطق، به رغم شرایط بد آن نسبتاً بالاست. در این مناطق توسعه تسهیلات زیر بنایی در حد استاندارد، و فراهم کردن سرویس های اساسی شهری، مسأله مهمی است که باید به آن توجه گردد.

## حاشیه نشینی : یک چالش اجتماعی

رشد جرائم در جوامعی که با جمعیت جوان روبرو است، با توجه به میزان بالای بیکاری، مشکل مسکن و ازدواج، سیر فزاینده ای را به خود گرفته است. معضل بیکاری بیشتر گریبان مناطق پرجمعیت و فاقد رشد اقتصادی را می گیرد که در این میان روستاها به دلیل میزان زاد و ولد بالاتر و امکان اشتغال زایی کمتر در بخش کشاورزی بیشتر مهاجر فرست هستند. بخش اعظم مهاجران روستایی و شهرهای کوچک برای سکونت ناگزیر از انتخاب مناطق ارزان و فاقد امکانات رفاهی هستند که این شرایط در مناطق حاشیه نشین و فقیر نشین متمرکز است.

حاشیه نشینی، نوعی از سکونت است که در آن افراد در مناطق مجاور شهر اقامت دارند و از حداقل امکانات و خدمات بی بهره اند. البته قید "مجاور شهر" در مواردی نقض می شود، به این دلیل که شهرکهای اقماری در نواحی مجاور شهر باعث می شود که حاشیه نشین ها بین نواحی شهری جای گیرند. به این ترتیب آنچه می ماند فقدان برخورداری از حداقل امکانات و خدمات شهری برای ساکنان این مناطق است. بر این اساس سکونت غیر رسمی و حاشیه نشینی عمر چندانی ندارد. در واقع مدت زمان زیادی از آن ایام نمی گذرد که فقر و اغنیاء در منازل مجاور هم سکونت داشتند و صرف زندگی در یک محله نشانه ای از ثروت، پایگاه اجتماعی و سایر شاخص های برتری فرد نسبت به سایرین نبود.

برای شناخت این امر که در کشورهای جهان سوم چه کسانی بی خانمان به شمار می روند، برنامه ریزان عقاید مختلفی را ابراز می کنند. در حالی که برنامه ریزان کشورهای صنعتی، مسکن نامناسب را معادل بی خانمانی در نظر می گیرند، در کشورهای در حال توسعه تعریف

های دیگری برای مسکن و مسکن نامناسب رخ می نمایند. در کشورهای در حال توسعه، کلمه ی "بی خانمان" به طور گسترده ای برای اشاره کردن به مردمی که مساکن آنها نامناسب، غیر قابل قبول و زیر حد استاندارد است به کار می رود. نهادهای بین المللی، کمک های خود را بیشتر متوجه ساکنان آلودگی های با کیفیت پایین در سکونتگاه های غیر رسمی کرده اند تا آنهایی که به طور خاص "بی خانمان" محسوب می شوند.

بی خانمانی در کشورهای صنعتی ابدأ محصولی از کمبود کلی مسکن نیست، بلکه بیشتر نتیجه یک بحران مالی است که با تغییرات ساختاری در اقتصاد محلی، ملی و

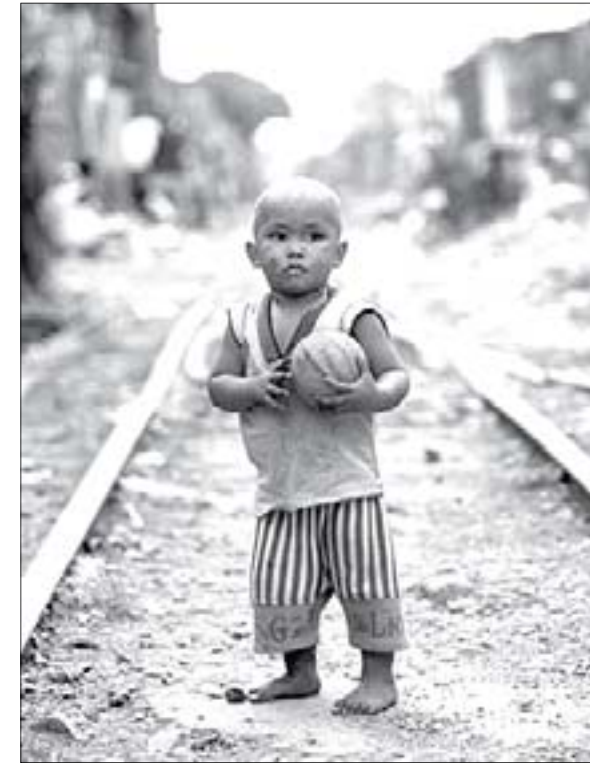
جهانی به شکل گیری مجدد سیاست های رفاه عمومی و تلاشی غیر قابل اجتناب برای محدود کردن مخارج عمومی انجامیده است. این دگرگونی به کاهش سیاست های حمایتی و افزایش ریسک فقر و بی خانمانی برای توده ای از جمعیت منجر شده است. با گذشت زمان در کشور های صنعتی تعریف بی خانمانی وسعت یافته است و افراد ساکن سکونتگاه های اشتراکی و سیار، ساکنان سکونتگاه های متراکم و پرازدحام، مکان هایی که از خدمات ضعیف، نامناسب و یا سکونتگاه های آسیب دیده رنج می برند و حتی کسانی که در آینده نزدیک در معرض بی خانمانی هستند را شامل می شود.

در سیستم سازمان ملل، برای هدف های آماری اصطلاح "بی خانمان" مربوط است به "خانواده هایی بدون سرپناه مناسب که در طول استفاده از نظر کیفی افت می کند".

پس از انجام مطالعات، این نتیجه به دست آمده است که حتی کشورهایی که دیدگاه های کاملاً پیشرفته ای در مورد تجاوز به زمین بخش غیر رسمی دارند، نگرش و عملشان در مقابل بی خانمان ها بسیار ظالمانه است. آن ها به عنوان افراد شرور، سائل، ضعیف از نظر ذهنی، بد سرشت، ناپایدار و بدون حقوق شهروندی شناخته می شوند.

## مسکن

با توجه به توان مالی اندک، سطح سواد و تخصص مهاجران، وضعیت مسکن ویژگی خاص خود را داراست. حاشیه نشینان طیفی را تشکیل می دهند و از نظر وضع مسکن برخی از آنها در آلودگی هایی زندگی می کنند که مصالح آنها با توجه به محیط عبارتند از قوطی های حلبی، انواع بشکه، لاستیک کهنه، ماشین و سایر مواد اسقاطی که به نحوی امکان



استفاده از آنها در ساخت سرپناه وجود دارد.

معمولاً زمین هایی که اختصاص به تخلیه زباله و نخاله های ساختمانی دارند و یا به دلیل صعب العبور بودن و پستی و بلندی های متعدد فاقد کاربری مسکونی هستند مطلوب حاشیه نشین هاست، ولی عامل تعیین کننده مجاورت آن با شهر است. مردم بی خانمان تمایل دارند که در فضاهای خالی در درون شهر، نزدیک به شغل های غیر رسمی پراکنده شوند و در برخی جاها، سکونتگاه های غیر رسمی در محیط اطراف شهر توسعه یافته اند. در مواردی نیز بر روی قطعاتی از زمین در محیط شهری که مورد توجه نیستند نظیر کانال های زهکشی، خطوط آهن، حیاط ایستگاهها و نزدیک مکانهای خرید و فروش شکل گرفته اند. تراکم بالای جمعیتی در کنار فقدان امکانات شهری باعث شده که از لحاظ بهداشتی، مناطق حاشیه ای شهرها در وضع وخیمی به سر ببرند که نتیجه آن آمار بالای بیماری های واگیردار و بیماری های پوستی و گوارشی در مناطق حاشیه نشین شهرهاست.

مسکن مناسب به معنی چیزی بیشتر از یک سقف بر سر یک انسان است و ویژگیهایی همچون حریم خصوصی به معنی زندگی شخصی (محرمیت) مناسب، فضای کافی، دسترسی های فیزیکی، امنیت کافی، امنیت تصرف، پایداری و دوام ساختاری، نور، گرما و تهویه مناسب، زیرساخت های اولیه کافی مانند آبرسانی، بهداشت و تسهیلات مدیریت زباله، کیفیت محیطی و عوامل مربوط به سلامتی در حد مطلوب و مکان مناسب و قابل دسترسی با توجه به کار و خدمات اولیه را در بر می گیرد که همه ی این ها باید متناسب با استطاعت مالی افراد در اختیارشان قرار بگیرد. کارایی باید با در نظر گرفتن افقی برای توسعه تدریجی، با توجه به ملاحظات

**حاشیه نشینی و تبلور آن در قالب گتوهای نژادی، مذهبی و مانند آن ریشه در تاریخ دارد، اما چنین پدیده ای به شکل امروزی آن ناشی از تغییر در روابط و مناسبات سنتی انسان ها بوده است.**

افراد تعیین شود و عموماً از یک کشور به کشور دیگر تغییر می کند. زیرا به عوامل خاص فرهنگی، محیطی و اقتصادی بستگی دارد.

### اشتغال

ساکنان مساکن غیر رسمی به دلیل وضعیت خاصی که دارند، قریب به اتفاق در مشاغل سطح پایین و به اصطلاح پست انجام وظیفه می کنند. اهمیت این نکته در این است که برخی نظریه پردازان مشکلات حاشیه نشین ها را به میراث روستایی آنها نسبت می دهند، در حالی که نسل دوم و سوم ایشان نیز به دلیل وضعیت خاص آموزش عمومی و عدم دسترسی به آموزش حرفه ای از دستیابی به جایگاه خاص خود محروم می شوند و در واقع، بافت شهری همیشه با آنها به عنوان یک عامل خارجی مقابله کرده و سعی در دفع آنها (و نه جذب و حل آنها) دارد.

در حالیکه حاشیه نشینان در کشورهای صنعتی به سمت بیکاری گرایش دارند، اغلب مردم بی خانمان در کشورهای در حال توسعه دارای درآمد هستند، هرچند ممکن است این درآمد ناچیز باشد و به طور غیر قانونی کسب شود. به عنوان مثال مشاغل

ذکر شده از این قرارند: تجزیه زباله ها، جمع آوری ضایعات، کارگری ساختمانی، راننده (بدون ماشین)، راننده (مالک وانت)، قصاب کشتارگاه، چوبداری، اجاره داری زمین کشاورزی، دستفروشی، قاچاق کالا، دلالی های کاذب و...

### بهداشت

شرایط بهداشتی ساکنان مساکن غیر رسمی به شدت متأثر از موقعیت جغرافیایی آنان است. حاشیه نشینانی که در محدوده شهری قرار گرفته اند دارای آب، برق، شبکه فاضلاب (حداقل به صورت کانال روباز) و خدمات آموزشی هستند. حاشیه نشینانی که در نواحی مجاور شهر زندگی می کنند از

بسیاری امکانات (حداقل به صورت رسمی) فاضلاب در جوپهای روباز که به صورت خود به خودی مسیری می یابد جریان دارد. این امر باعث شیوع بیماریهای انگلی می شود که به شدت بین حاشیه نشینان رایج است و وجه اشتراکی مابین ساکنان مساکن غیر رسمی با روستاها است. در برخی مناطق این مردم به خدمات لوله کشی دسترسی دارند ولی عمدتاً به طریق قاچاق و غیررسمی از آن استفاده می کنند. مصرف شوینده ها و مواد تمیز کننده در این مناطق به شدت پایین است.

بهداشت غذایی نیز جدای از این مقوله نیست و معمولاً مواد غذایی مصرفی ایشان علاوه بر اینکه به دلیل نحوه نادرست عرضه فاقد ارزش غذایی است، حمل و نقل آن نیز به گونه ای است که باعث انتقال بیماری می شود.

### آموزش

به طور کلی هیچ واحد آموزش حرفه ای در سکونتگاه های غیر رسمی وجود ندارد. میزان ترک تحصیل و افت آموزش عمومی در حاشیه نشین ها به مراتب بالاتر از سطح عمومی دیگر مردم است و این به دلیل عدم تخصیص بودجه متناسب برای امر آموزش در این نقاط توسط دولت ها است. این امر موجب گردیده تا فرایند جامعه پذیری در میان کودکان و نوجوانان این سکونتگاه ها، فرایندی عقیم و ناقص باشد؛ نقصانی که در رشد بالای انحرافات در جامعه نمود می یابد.

### خدمات اجتماعی و رفاهی

میزان خدمات اجتماعی (شامل خدمات شهرداری، مراکز تفریحی، آموزشی، بهداشت و آب و برق) در این مناطق فوق العاده محدود است. حاشیه نشین ها از بابت برخورداری از خدمات اجتماعی نیز یک دست نیستند و در برخی مناطق حتی امکانات ارتباط تلفنی هم وجود دارد و در مقابل در بعضی جاها انشعابات آب از فاصله چند صد متر و با شیلنگ های پلاستیکی به محل آورده شده است. به تجربه ثابت شده است که معمولاً در سکونتگاه های غیر رسمی طولانی شانس بیشتری برای جذب برق، آب

و سرویس های بهداشتی وجود دارد.

### تأثیر ساکنان مساکن غیر رسمی در امنیت شهری

این سکونتگاه ها جزء مناطق مستعد برای ارتکاب جرم هستند. فقدان نظارت امنیتی

کافی، وجود تعداد بالای افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق باعث می شود مجرمین به راحتی در آنجا پناه گیرند و تا زمانیکه این عوامل زمینه ساز وجود داشته باشد، این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند. جوانان حاشیه نشین با فرهنگ ویژه خود، روزها عازم مرکز شهر می شوند تا کاری دست و پا کنند. با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی، عمدتاً به کار دستفروشی، پهن کردن بساط، سیگار فروشی، کار در میدان تره بار و ... می پردازند و به این ترتیب به صورت زائده فعالیت های شهری درمی آیند. این مشاغل غیر تخصصی و زائد خود به عنوان یک عامل سوق دهنده به سوی جرم عمل می کنند.

حاشیه نشینی در ایران بعد از وقوع اصلاحات ارضی، این پدیده رخ عیان کرد. در یک بررسی گسترده که در سال ۱۳۵۱ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفت، مشخص شد که ۹۱ درصد از سرپرستان خانواده های حاشیه نشین در تهران روستایی بوده اند، ۷۲ درصد آنان قبلاً دهقان محسوب می شدند و ۵۹ درصد خرده مالک بوده اند.

همچنین یافته های پژوهشی مشابه در سال ۱۳۴۵ نشان داد که ۶۲ درصد از حاشیه نشینان تهران کارگر ساده، ۱۲ درصد کارگر نیمه ماهر و ۱۴ درصد کارگر ماهر بوده اند. این موارد تا حدودی نشانگر ابعاد حاشیه نشینی در ایران پیش از انقلاب بود. در آن سالها به دلیل اصلاحات ارضی و همچنین عدم کارایی اقتصاد کشاورزی روستاها، موج مهاجرت های گسترده ای به شهرهای بزرگ رخ داد که به نمود یافتن زیست حاشیه ای منجر شد. این روند در ایران پس از انقلاب نیز با گستردگی بیشتری ادامه یافت، موج مهاجرت و در کنار آن رشد بی وقفه جمعیت نیز به مثابه علتی ثانویه که باعث رقابت شدید برای تسلط بر امکانات شهری گردید موجب شد تا حاشیه نشینی در قامت یک معضل ملی رخ بنماید.

بر اساس مطالعات جامعه شناختی، ۶۷ شهر کوچک در ۱۶ استان در سال ۱۳۸۰ (بدون احتساب تهران، آذربایجان شرقی و مرکزی) با پدیده حاشیه نشینی مواجه هستند، در این محدوده ها که بیش از دو میلیون نفر ساکن هستند، تراکم جمعیت مناطق حاشیه نشین به طور متوسط حدود ۲۰۰ نفر در هکتار است. همچنین مطابق با برآوردهایی که در پژوهش حاشیه نشینی در ایران توسط مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران صورت پذیرفت، جمعیت حاشیه نشین در ۱۰ شهر بزرگ ایران نظیر تهران، مشهد، شیراز و اهواز حدود ۳/۵ میلیون نفر تخمین زده شد که اکنون قطعاً بیشتر از این رقم است. حاشیه نشینی در ایران اکنون یک معضل ملی محسوب می شود که با ادامه روند فعلی، بی شک به یک فاجعه ملی منجر خواهد شد. آسیب های اجتماعی و سهم بالایی از وقوع جرم و جرائم در کشور به حاشیه نشینان اختصاص یافته است و به دلیل عدم تطابق هنجاری و نائل نشدن به یک شناخت جامعه ای حاشیه نشینان و همچنین سطح نازل معیشت اقتصادی این طبقه، نوعی از انحرافات نهادینه شده در کنش آنها به چشم می خورد.

### روش های مختلف مقابله با سکونتگاه های فقیر نشین

در زمینه مقابله با سکونتگاه های فقیر نشین دولت ها و حکومت ها در کشورهای مختلف به روش های گوناگون همواره سعی در رویارویی با این مشکلات را داشته اند، هرچند سیاست های شهری آنان اغلب با شکست مواجه شده است. این مسأله ناشی از آئین نامه های نامناسب، عدم کارایی و راکد بودن بازار زمین، کمبودهای اساسی در امور سیاسی و نظایر اینها است. وسعت و روش های مقابله با فقر شهری در کشورهای مختلف گوناگون است که به بعضی از آنها اشاره می گردد:

### تغییر موقعیت ساکنان زاغه ها و مناطق فقیر نشین

در این روش به از بین بردن زاغه ها و مناطق فقیر نشین مرکز شهر و انتقال آنها به مناطق خارج از شهر و دور از مرکز شهر تأکید می گردد. لازم به ذکر است که اغلب محله های فقیر نشین در مرکز شهرها ظاهر می گردند، زیرا در این مکان ها فقرا



**ابعاد فیزیکی مسأله حاشیه نشینی ظاهر این معضل اجتماعی را نشان می دهد و برای پی بردن به ریشه های آن می بایست به لایه های زیرین این مسأله پرداخت.**

ساده تر می توانند کار پیدا کنند. تغییر مکان معمولاً به دو روش انجام می شود؛ یکی جابجایی ساکنان بدون اعمال زور، و در مقابل دادن زمین در مکانی دیگر به صورت معوض و دیگری جابجایی زاغه ها با اعمال زور. این روش ها، یعنی جابجایی ساکنان به همراه متعلقات کالبدی آنها به دیگر نقاط شهر، معمولاً نتیجه مطلوبی به همراه ندارد. به عبارت دیگر، دولت ها نه تنها منابع مالی زیادی را صرف این جابجایی می

کنند، بلکه هزینه زیادی را نیز به پاک کردن منطقه از زاغه ها و ایجاد تسهیلات لازم برای دسترسی ساکنان به مراکز اشتغال در مرکز شهر اختصاص می دهند. بدین ترتیب، این روش از نظر اقتصادی چندان مناسب نمی نماید. پاک کردن منطقه از زاغه ها و بازسازی و توسعه مجدد آنها

در این روش ساکنان این محله ها به طور موقت به نقاط دیگر انتقال داده می شوند. سپس منطقه از سکونتگاه های زاغه ای پاک می گردد و پس از ساختن سکونتگاه های جدید، ساکنان مجدداً در این مناطق اسکان داده می شوند.

ساختمان های جدید ساخته شده، اغلب به صورت آپارتمان های چند طبقه اند تا بدین وسیله جمعیت بیشتری اسکان داده شود. البته تجربیات نشان می دهند که تراکم جمعیت در سکونتگاه های آپارتمانی جدید کمتر از مناطق زاغه ای است.

همچنین در فضای آپارتمانی خانواده های کم درآمد از داشتن فضایی برای ایجاد کاسی های کوچک نیز - که می تواند منبع کمک درآمدی برای آنها باشد - محروم می گردند.

### بهبودی محله های فقیر شهری

راه حل جایگزین دیگر، بهسازی و بهبودی دادن به شرایط زندگی در زاغه ها و محله های فقیرنشین است. این بهبودی شامل ایجاد زیرساخت های مناسب زیست محیطی مانند شبکه های آب، سیستم تخلیه فاضلاب، سیستم زهکشی، برق و نظایر اینها است. بهسازی زاغه ها، بازسازی سکونتگاه ها را شامل نمی شود و این امر به عهده ساکنان آنهاست و می توان وام هایی را برای بهبودی دادن به شرایط مسکن در اختیار آنان قرار داد.

قدم بعدی از بین بردن خطرات زیست محیطی و ایجاد مراکز بهداشتی و مراکز آموزشی در سطح منطقه است. گام نخست بهسازی محله های فقیرنشین و زاغه ها، انتقال مالکیت زمین به اشغال کنندگان غیر مجاز زمین هاست، آن هم با قیمتی که آنها قادر به پرداخت و خرید زمین باشند. دادن حق مالکیت به آنها، باعث می گردد که آنها برای بهبود شرایط زندگیشان خود اقدام کنند و سه تا چهار برابر آنچه دولت سرمایه گذاری می کند، هزینه کنند.

**حاشیه نشینی و تبلور آن در قالب گتوهای نژادی، مذهبی و مانند ریشه در تاریخ دارد، اما چنین پدیده ای به شکل امروزین آن ناشی از تغییر در روابط و مناسبات سنتی انسان ها بوده است.**

### جمع بندی

نظریه رهاسازی ساکنان غیر رسمی به حال خود است تا اینکه دست نرئمی بازار فکری به حال آنان نماید و یا حداقل محلی برای اجرای برنامه های تسکین دهنده جهت کاستن از خطر انفجار این بمب ساعتی باشند. اما از زاویه دیگر، سکونت غیر رسمی را می توان واکنش به فقدان برنامه ریزی متولیان جامعه دانست که به صورت خودجوش و با حداقل امکانات به نوعی معضل مسکن را برای خود حل نموده اند.

آلونک نشین ها که در هر منطقه نامی خاص دارند، وظیفه مشخصی به عهده دارند که عبارت است از مسکن دادن به کسانی که از اکثریت منابع بی بهره اند و جایی برای اقامت ندارند و در مجموع می توان گفت آلونک نشینی به عنوان شیوه ای از زندگی مختصاتی جهان شمول دارد که از آن میان می توان به فقر، فقدان حداقل شرایط بهداشتی (حتی با توجه به معیارهای محلی)، بی بهرگی از حداقل خدمات شهری و لذا آلودگی گاه وحشتناک محیط زندگی، فقدان امکانات آموزشی و پرورشی و بی رغبتی نسبت به آن، نگرانی دائمی ناشی از استفاده غیر مجاز از آب، برق و زمین، تحقیر اجتماعی به عنوان حاشیه نشینان جامعه که باعث پیدایش زمینه مساعد گسترش آسیب های اجتماعی به علت جذب رانده شدگان و قانون گریزان در کنار اکثریت زحمتکش می شود، اشاره نمود.

از آنجا که کشورهای بسیاری درگیر معضل سکونت غیر رسمی هستند، تلاش های مربوط به حل آن سابقه زیادی دارد. این تلاش ها را می توان به صورت یک پیوستار در نظر گرفت که در یک سوی آن نادیده گرفتن و تلاش برای نابودی و پراکنده کردن این اجتماعات است و در سوی دیگر تلاش برای ارائه مسکن، امکانات و شرایط زندگی در آنهاست. البته هر کشور با توجه به امکانات اقتصادی و شرایط سیاسی خود یک راه حل بر می گزیند، به عنوان مثال در کشورهای اروپایی که توان اقتصادی بالایی (در مقایسه با کشورهای کمتر توسعه یافته) دارند، سعی می شود از طریق خانه های بین راه، مراکز خیریه و ... به حاشیه نشینی ها و بی خانمانی ها سرو سامان بدهند، و در کشوری نظیر فیلیپین با تخریب آلونک نشین ها با معضل روبرو می شوند.

به هر حال این مسأله دلایل چندگانه ای دارد و در تلاش برای حل آن باید به دلایل زیر توجه کرد: نظریه پردازان غربی و دنباله روان بومی ایشان، اعتقاد دارند ساکنان حاشیه نشین ها، مردمی بی جا، آواره و رانده شده اند که مانند خس و خاشاک بر سیل مهاجرت از روستاها کنده و به شهرها آورده شده اند، بی آنکه در جامعه مدرن پذیرفته شده باشند. به نظر این گروه حاشیه نشینی و سکونت غیر رسمی از جمله عوارض جانبی گذار جوامع سنتی به سوی جوامع صنعتی و شهری مدرن است و چنین تحول عظیمی بدون عوارض جانبی امکان پذیر نخواهد بود. سیر منطقی این

### منابع

اشرف، احمد: اصلاحات ارضی و مسائل آن، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲  
رفع پور، فرامرز: انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، شرکت سهامی، ۱۳۷۷  
حسین زاده دلیر، کریم: حاشیه نشینان تبریز، مؤسسه تحقیقات شهری، وابسته به کمیته علوم انسانی جهاد دانشگاهی دانشگاه تبریز  
مشهدیزاده دهاقانی، ناصر: تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۴  
میلز، ادوین و همیلتون، بروس: اقتصاد شهر، ترجمه عبدالله کوثری، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۵  
عابدین درکوش، سعید: درآمدی به اقتصاد شهری، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۲  
زاهد زاهدانی، سعید: حاشیه نشینی، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۶۹  
حسامیان، فرخ و اعتماد، گیتی و حائری، محمدرضا: شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۱  
سینجر، پاول: اقتصاد سیاسی شهرنشینی، ترجمه مهدی کاظمی بیدهندی و فرخ حسامیان، گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه ای، ۱۳۵۸  
قاسمی خوزانی، محمد و هادی زنده بزاز، مریم: اسکان غیر رسمی و بهسازی محله های فقیرنشین شهری، شهرداریها، سال چهارم، شماره ۴۵ و (۲۷-۲۲)  
اطهری، کمال و همکاران: نقد و نظر، شهرداریها، سال پنجم، شماره ۵۰ و (۸۷-۸۲)  
حاتمی نژاد، حسین: اسکان غیر رسمی در جهان، شهرداریها، سال پنجم، شماره ۵۰ و (۲۷-۱۹)  
داوودپور، زهره: سکونتگاه های متعارف، پیامد برنامه ریزی ناکارا، شهرداریها، شماره ۳۹  
پیران، پرویز: آلونک نشینی در ایران، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پنجم، شماره ۹۲-۹۱، ۱۳۷۴

Abrams, C. (1964), Man's Struggle for Shelter in an Urbanizing World. Cambridge, MA: MII press.

Angel, S., Archer, R.W., Tanphiphat, S. & Wegelin, E.A. (eds) (1983), Land for Housing the Poor, Bangkok: select books.

Tipple, G., Speak, S., Who is Homeless in Developing Countries?, IDPR(International Development Planning Review), V.28 (1) 2006

Mayo, S.K., & Angel, S. (1993), Enabling Housing Markets to Work, A World Bank Policy Paper, Washington D.C.: the world bank. •

WWW.ucl.ac.uk/DPU • WWW.Citiesalliance.org • WWW.ihs.nl • WWW.gtz.de/urbanet • http://www.habitat.org/ap/ • WWW.Achr.net/

News.Html • WWW.Citiesalliance.org • http://www.habitat.org/ap/